Shahid Chamran University of Ahvaz

Stylistics and the Study of Literary Genres

DOI: https://doi.org/10.22055/jrp.2022.41799.1084

Online ISSN:2676-5772

Received: 4 September 2022 | Accepted: 16 September 2022

Analysis of Nezami's Poem *Haft Peykar* Based on Seligman's Theory of Positive Psychology

Samaneh Niroumand Shishvan[1], Naimeh Kia Lashki[2], Vajiheh Torkamani Barandoozi[3], Maryam Shadmohamadi[4]

Abstract

Haft Peykar is one of the most beautiful lyrical poems in Persian literature that has always been considered by researchers. The main issue of this research is the study of Nezami's poem *Haft Peykar* based on Seligman's theory of positive thinking in a descriptive-analytical method. The purpose of this study is to determine the aspects of this poem that correspond to the mentioned theory. With his wise perspective, Nezami has paid special attention to cultivating the good human virtues and the spiritual and psychological excellence of the characters in his poem *Haft Peykar* when characterizing the characters. In the present article, the actions and behaviors of the characters of this poem and the concepts embedded in the margins of the poems are matched with the virtues and components of positive thinking in the mentioned theory and the obtained results are analyzed. This study shows that the six virtues of wisdom, courage, humanity, justice, moderation and transcendence and the sub-capabilities of each of these virtues are reflected in the behavior and actions and thoughts of the characters of this poem, and the virtue of transcendence is more prominent among the six virtues.

Key Words: Haft Peykar, positive psychology theory, six virtues

1. PhD student in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Chalus Branch, Iran. E-mail: samanehniroumand@yahoo.com
2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Chalus Branch, Iran. e-mail: Naemekialashaki11@iaue.ac.ir
3. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Chalus Branch, Iran. (Corresponding Author) e-mail: v.Torkamani@iaue.ac.ir
4. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Chalus Branch, Iran. e-mail: shadmohamadi80@yahoo.com

How to cite this article:
Niroumand Shishvan, Samaneh; Kia Lashki, Naimeh; Torkamani Barandoozi, Vajiheh; Shadmohamadi, Maryam. (2026).Analysis of Nezami's Poem Haft Peykar based on Seligman's Theory of Positive Psychology. *Stylistics and the Study of Literary Genres*, 7(2), 127-145. https://doi.org/10.22055/jrp.2022.41799.1084

دوفصل‌نامه‌ی
سبک‌پژوهی و مطالعات گونه‌های ادبی

DOI: https://doi.org/10.22055/jrp.2022.41799.1084

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۵۷۷۲

نشریهٔ علمی سبک‌پژوهی و مطالعات گونه‌های ادبی، شمارهٔ ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، صص ۱۲۷-۱۴۵
مقالهٔ پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳ | پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

تحلیل منظومهٔ هفت‌پیکر نظامی بر مبنای نظریهٔ مثبت‌اندیشی سلیگمن

سمانه نیرومند شیشوان[۱]، نعیمه کیا لاشکی[۲]
وجیهه ترکمانی باراندوزی[۳]، مریم شادمحمدی[۴]

چکیده

هفت‌پیکر یکی از زیباترین منظومه‌های غنایی ادب فارسی است که همواره مورد توجّه محقّقان بوده است. مسالهٔ اساسی این پژوهش بررسی منظومهٔ هفت‌پیکر نظامی بر مبنای نظریّهٔ مثبت‌اندیشی سلیگمن، به روش توصیفی- تحلیلی است. هدف از این پژوهش دست‌یافتن به وجوه انطباق این منظومه با نظریهٔ یاد شده است. نظامی گنجوی با دیدگاه حکیمانهٔ خود در شخصیّت‌پردازی اشخاص منظومهٔ هفت‌پیکر به پرورش فضایل نیکوی انسانی و تعالی روحی و روانی شخصیّت‌ها، توجّه ویژه داشته است. در جستار حاضر، اعمال و رفتار شخصیّت‌های این منظومه و مفاهیم گنجانده شده در لابه‌لای اشعار با فضایل و شاخصه‌های مثبت‌اندیشی در نظریّهٔ مذکور مطابقت داده شده و نتایج به‌دست آمده تحلیل شده است. این پژوهش نشان می‌دهد، فضایل شش‌گانهٔ خردورزی، شجاعت، انسانیّت، عدالت، اعتدال و تعالی و قابلیّت‌های زیرمجموعهٔ هر یک از این فضایل در رفتار و کردار و پندار شخصیّت‌های این منظومه نمود یافته و فضیلت تعالی از میان فضایل شش‌گانه از نمود بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: منظومهٔ هفت‌پیکر، نظریهٔ مثبت‌اندیشی، فضایل شش‌گانه.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، ایران.
رایانامه: samanehniroumand@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، ایران.
رایانامه: Naemekialashaki11@iaue.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، ایران. (نویسنده مسئول)
رایانامه: v.Torkamani@iaue.ac.ir

٤. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، ایران.
رایانامه: shadmohamadi80@yahoo.com

ارجاع به این مقاله:
نیرومند شیشوان، سمانه؛ کیا لاشکی، نعیمه؛ ترکمانی باراندوزی، وجیهه؛ شادمحمدی، مریم. (۱۴۰۴). تحلیل منظومهٔ هفت‌پیکر نظامی بر مبنای نظریهٔ مثبت‌اندیشی سلیگمن. دوفصل‌نامهٔ سبک‌پژوهی و مطالعات گونه‌های ادبی، ۷(۲)، ۱۲۷-۱۴۵. https://doi.org/10.22055/jrp.2022.41799.1084

۱ - مقدمه

منظومۀ هفت‌پیکر از نظر ساختاری قوی‌ترین اثر نظامی است که ورزیدگی و پختگی طبع شاعر در آن مشهود است (براتی، ۱۳۹۸: ۳۰). این منظومه داستان زندگی بهرام پنجم ساسانی را به تصویر می‌کشد و شامل دو بخش است: بخش اول رویدادهای زندگی بهرام ساسانی از تولّد تا مرگ رازگونۀ اوست و بخش دوّم مربوط به هفت حکایتی است که یادآور داستان‌های هزار و یک شب است و از زبان هفت همسر وی روایت می‌شوند که این حکایات علاوه بر اشتمال به معانی پندآموز، نشان‌گر قدرت نظامی در داستان‌پردازی است (غنی‌پور ملکشاه، ۱۳۹۴: ۹۸). درون‌مایه‌ها و مفاهیم مشترک ادبیات و روان‌شناسی که هر دو ریشه در ناخودآگاه انسان دارند از سویی و اشراف شاعران و عارفان گذشته ایرانی بر علوم گوناگون زمان خود از دیگر سو، اشتراکات فراوان فکری را بین فرهنگ کهن و غنی ایرانی- اسلامی و ابداعات دانش و فن‌آوری امروز، در حوزه‌های مختلف، پیش چشم قرار می‌دهد (اخروی و بهنام‌فر، ۱۳۹۵: ۳۸۸). نظامی در نظم منظومۀ خود، به شیوه‌ای ماهرانه به ترسیم حالات روحی شخصیّت‌های داستان و پرورش خصایص نیکو در آنان نظر داشته است به‌طوری‌که می‌توان شخصیّت‌های این منظومه به‌ویژه بهرام ساسانی را با نظریّه‌های مختلف روان‌شناسی مورد ارزیابی قرار داد.

تحلیل و بازخواني روایت‌هاي کهن منظوم و منثور بر اساس نظریّه‌هاي جدید، می‌تواند در شناخت بیش‌تر و عمیق‌تر این آثار مؤثّر واقع شود (درپر، ۱۳۸۹: ۶۶). هدف این پژوهش بررسی روان‌شناسانۀ این داستان با تکیه بر نظریّۀ مثبت‌اندیشی سلیگمن و ایجاد پیوند بیشتر میان دو حوزه ادبیّات و روان‌شناسی است.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

هدف نظامی از سرایش این منظومه خلق شخصیّت بهرام گور یا سایر شخصیّت‌های این منظومه آن‌چنان‌که شیوۀ نویسندگان پیش از اوست؛ تنها ساختن چهره‌ای تاریخی و مستند از آنان نبوده است؛ بلکه این داستان‌ها، دست‌مایه‌ای برای آفرینش شخصیّت‌های آرمانی و مثبت در این منظومه بوده است. تصویری که نظامی، متناسب با اندیشۀ خود از بهرام گور که اصلی‌ترین شخصیّت این منظومه است ارائه کرده، تصویری از انسان کامل در ذهن مثبت‌اندیش شاعر است که تحوّل تدریجی انسان آرمانی را نشان می‌دهد. در هفت‌پیکر اساس تفکّر شاعر کمال و تعالی تمام شخصیّت‌های داستان، خاصّه بهرام گور است (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۷ و ۱۸)؛ پر واضح است که وی در پردازش شخصیّت‌های منظومۀ خویش اهداف بالاتری را در نظر داشته است.

این جستار بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- انطباق خصوصیّات اخلاقی و رفتاری شخصیّت‌های منظومهٔ هفت‌پیکر نظامی و مفاهیم اشعار آن با فضایل مطرح در نظریّه سلیگمن تا چه میزان است؟
- کدام‌یک از فضایل شش‌گانه نظریهٔ مذکور در این منظومه نمود بیشتری دارد؟

۱-۲- هدف و ضرورت تحقیق

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و بررسی فضایل نیکوی انسانی در مورد شخصیّت‌های منظومهٔ هفت‌پیکر نظامی است که با دقّت در احوال و اعمال آنان در مواجهه با مسائل و مشکلات پیش‌روی‌شان، با نگاه به نظریهٔ مثبت‌اندیشی سلیگمن حاصل می‌شود. با توجّه به این‌که انجام این پژوهش‌ها، دیدگاهی نو در تحلیل و بررسی آثار ادبی، ازجمله حوزهٔ ادب غنایی و منظومهٔ هفت‌پیکر نظامی است؛ لذا گامی نو در مسیر تحوّل و ترویج پژوهش‌های میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود و می‌تواند زمینه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر در این حوزه فراهم کند؛ درنتیجه به وحدت‌بخشی بیشتر بین شاخه‌های مختلف علوم انسانی منجر می‌شود.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

در جستار حاضر که به شیوهٔ کتابخانه‌ای و بر مبنای توصیفی- تحلیلی است، پس از مطالعهٔ کامل منظومهٔ هفت‌پیکر به بررسی فضایل نیکوی اخلاقی- انسانی در شخصیّت‌های این منظومه با تکیه بر فضایل شش‌گانه مطرح در نظریهٔ مثبت‌اندیشی سلیگمن، پرداخته شد و ابیات مرتبط با هر یک از فضایل استخراج گردید و پس از فیش‌برداری، نتایج به‌دست‌آمده با خصوصیات رفتاری هریک از شخصیّت‌های داستان، انطباق داده شد.

۱-۴- پیشینهٔ تحقیق

پیرامون منظومهٔ هفت‌پیکر نظامی، پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است؛ ولیکن هیچ‌یک بر مبنای رویکرد پژوهش حاضر، نیست. در زمینهٔ بررسی متون ادبی زبان فارسی با تأکید بر نظریهٔ سلیگمن به ذکر مواردی که بیش‌ترین قرابت موضوعی را با پژوهش حاضر دارند اشاره می‌شود: در پایان‌نامهٔ «بررسی شاخصه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر در مثنوی معنوی مولوی بر اساس نظریّهٔ مارتین سلیگمن» از ثمانه اسمعیل‌زاده قندهاری و همکاران (۱۳۹۴)، پس از بررسی و تفسیر شاخصه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر، هم‌سویی آن‌ها با مفاهیم موجود در مثنوی معنوی تأیید شده است. مقالهٔ «تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی از منظر علم روان‌شناسی» نوشتهٔ پروین گلی‌زاده و همکاران در مجلّهٔ پژوهش‌های ادب عرفانی (۱۳۹۵)، به چاپ رسیده است. بر پایهٔ نتایج حاصل از این پژوهش،

کلید هر معمّایی را باید در باطن جُست و دل و ذهن را که محل تجلّی حق است، باید از افکار تیره زدود؛ زیرا نگرش مثبت، شفابخش و حامل خیر است. مقالهٔ «شاعر نیشابوری و مثبت‌نگری» در فصل‌نامهٔ مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی از سوسن نظری (۱۳۹۶) به چاپ رسیده است. طبق یافته‌های این پژوهش، خیّام، زندگی در زمان حال را پیشنهاد می‌کند و از اندوهگین بودن نسبت به گذشته و آینده پرهیز می‌کند. مقالهٔ «بررسی شخصیّت سیاوش با نظریّه مثبت‌اندیشی سلیگمن» نوشتهٔ وجیهه ترکمانی و سمانه نیرومند در مجلّهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (۱۳۹۸) به چاپ رسیده است. بر مبنای این جستار، سیاوش، اسطوره‌ای سراسر نیکی و فضیلت است. او مصداق بارز شخصیّتی خردمند، شجاع، نوع‌دوست، عادل، خویشتن‌دار و متعالی است و تمام فضایل ذکر شده را در عالی‌ترین درجه در وجود خود دارد. علی‌رغم پژوهش‌هاي بسیار در حوزهٔ آثار نظامی، اثري که به بررسي شاخصه‌ها و فضایل اخلاقی شش‌گانه مطرح در نظریّهٔ مذکور در آثار نظامی بپردازد، یافت نشد و بسامد بالای عناصر مثبت‌اندیشی در این منظومه، مایهٔ ضرورت بررسي و تحلیل گردید؛ ازاین‌رو جستار پیش‌رو به‌مثابه پژوهشي نو محسوب شده و بر آن است که چگونگي استفادهٔ شاعر از این فضایل را در جهت هدف‌مندي اشعارش آشکار نماید.

۲- پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱- مارتین سلیگمن

مارتین سلیگمن پژوهش‌گری برجسته است که از اقدامات اصلی وی، معرّفی و پیش‌برد روان‌شناسی مثبت به‌عنوان یک رویکرد علمی بود.

۲-۲- روان‌شناسی مثبت و نظریهٔ مثبت‌اندیشی

در قرن بیست و یکم، روان‌شناسی پیشرفتهٔ غرب در بن‌بستی قرار گرفت که علم و ثروت دیگر نتوانست روح کمال طلب بشر را راضی نگاه دارد. روان‌شناسی مثبت در این تنگنای افسردگی، با ارائهٔ دیدگاهی نو کوشید تا از مشکلات روانی بشر گره‌گشایی کند (خوشحال و عباسی، ۱۳۹۶: ۳۰ و ۳۱). سلیگمن و همکارانش با استفاده از روش علمی و طبقه‌بندی مفاهیم توانستند مجموعهٔ کاملی از مفاهیمی چون خردورزی، عدالت، شجاعت، شادی، امید، خوش‌بینی، نوع‌دوستی، عشق و... را در یک مکتب جدید فکری با عنوان رویکرد مثبت‌نگر معرفی نمایند (عینی، ۱۳۹۵: ۲۹۱-۲۹۰).

مثبت‌نگری فرآیندی تعمّدی و انتخابی است؛ زمانی‌که به دنبال خوب هستید، احتمال یافتن آن بسیار زیاد است

(پیل، ۱۳۸۸: ۱۷). روان‌شناسی مثبت‌گرا موجب می‌شود از عواملی که به افراد، به‌صورت فردی یا جمعی، کمک می‌کند تا به رشد و بالندگی برسند، شناخت بیشتری پیدا کنیم و آن‌ها را بهتر به‌کار بندیم (مگیار- موئی، ۱۳۹۹: ۱۹). شواهد علمی گواه آن است که این حوزه از روان‌شناسی، فقط بازتاب موفقیّت و سلامتی نیست و می‌تواند ایجادکنندهٔ آن‌ها باشد (فردریکسون، ۱۳۹۷: ۲۹). از نظر سلیگمن، نوع نگرش انسان نسبت به خود، دیگران و زندگي آینده، وضعیّت رواني او را تحت‌تأثیر قرار مي‌دهد و نگرش شادکامي براي وي تعهّد، ارزش و معنا را ایجاد می‌کند و هم‌دلي و نوع‌دوستي را افزایش مي‌دهد و جامعه را از افسردگي، خشونت و رکود دور مي‌سازد (پیراني، ۱۳۹۲: ۳۴۲).

۳-۲- فضایل شش‌گانهٔ مطرح در نظریّهٔ مثبت‌اندیشی سلیگمن

سلیگمن شش فضیلت را به‌عنوان ویژگی‌های اساسی مورد تأیید تقریباً تمامی سنّت‌های مذهبی و فلسفی برگزیده است (سلیگمن، ۱۳۹۷: ۱۷۳). فضایل: خرد، شجاعت، انسانیّت، عدالت، خویشتن‌داری و تعالی، صفات اصلی و جهانی هستند که فلاسفهٔ اخلاق و متفکّران مذهبی آن‌ها را ارزشمند دانسته‌اند (پیترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۳۳). طبقه‌بندی این فضایل شامل بیست‌وچهار توانمندی است و صفات مثبتی مانند مهربانی را دربرمی‌گیرد (همان). کنفوسیوس، ارسطو و سایر سنّت‌های معتبر، با وجود اختلاف در جزئیات، شش فضیلت اساسی ذکر شده را دربر می‌گیرند. هم‌گرایی سنّت‌های فلسفی متفاوت در طی هزاران سال، امری مشهود است و روان‌شناسی مثبت‌گرا این توافق بین فرهنگی را راهنمای خویش کرده است (سلیگمن، ۱۳۹۷: ۲۱ و ۲۲).

۱-۳-۲ - خرد و دانایی

خرد، شامل دانش گسترده و عمیق درباره شرایط زندگی و امور انسانی و قضاوت متفکّرانه دربارهٔ کاربرد این دانش است. خرد، نوعی هوش ناب و اصیل است که در حضور آن، هیچ‌کسی رنجیده نیست و همه سپاس‌گزارند (پترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۷۳) و از طریق توانمندی‌هایی مانند خلاقیّت، کنجکاوی، عشق به یادگیری، آزاداندیشی و آنچه که ما آینده‌نگری می‌نامیم، خود را نشان می‌دهد (همان: ۳۳).

سلیگمن توانمندسازی قوهٔ تعقّل را از راه‌کارهایی می‌داند که انسان را در بهزیستی یاری می‌دهد و او را به مرزهای زندگی سالم هدایت می‌کند. تعمّق در ابیات هفت‌پیکر، نشان می‌دهد که نظامی همواره در صدد هدایت انسان به زندگی بهتر و برخوردار از روابط بین فردی سالم با اتّکا به خرد بوده است. وی ستایشگر خرد است و ممدوحان خردمند در شعر او جایگاه ویژه‌ای دارند؛ چنان‌که در حکایت «پاسخ دادن بهرام ایرانیان را» آورده است:

گفـــت مـــا را تـــو از خـــداوندی هـــم خـرد بخـش و هـم خردمنـدی
هر چـه گفـتی ز رأی خـوب سرشت خـــردش بـــر نگـــین دل بنوشـــت
(نظامی، ۱۳۸۸: ۴۷۴)

در هفت‌پیکر، اندوختن دانش جایگاه ویژه‌ای دارد؛ لذا عطش یادگیری در وجود بزرگان شعله‌ور است. نظامی، ممدوح خود «سعید علاءالدین کرپ ارسلان» را پاسدار فرهنگ و دانش و عدالت می‌نامد:

جز تو کـز داد و دانشـت حرمـی‌ست کیست کـو را به جای خود کرمـی‌ست
(همان: ۴۴۷)

آدمی در سایهٔ برخورداری از فضیلت خرد و با درک بالا نسبت به پیرامون خود، می‌تواند بسیاری از مشکلات را مرتفع و زمینه را برای زندگی بهتر آماده کند. شاعر راز حیات جاودانه را در معرفت و بصیرتی می‌داند که همان خودشناسی است و عمر جاودانه را به دنبال دارد:

خویشتن را چـو خضـر باز شناس تا خـوری آب زنـدگی بـه قیـاس
آب حیـــوان نـــه آب حیوانســـت جـان بـا عقـل و عقـل بـا جانـست
(همان)

به عقیدهٔ نظامی، بصیرت اولین ویژگی حاکم خردمند است. دیو و دد از حاکم آگاه گریزان هستند و اگر حاکمی نتواند در زمرهٔ مردمان آگاه سرزمین خود قرار گیرد، جایگاه او تنزّل خواهد کرد (در بیت زیر، واژهٔ سیاست به معنی آگاه است):

از شهـــی کـــو سیاسـت انگیـــزد دشـــمن و دیـــو هـــر دو بگـــریزد
...جهد آن کـن کـه از سیاسـت خـویش نشـکنی رونـــق ریاســـت خویـــش
(همان: ۵۸۳)

نظامی، موفقیّت بسیاری از شخصیّت‌های مقبول هفت‌پیکر را در سایهٔ خلاقیّت تبیین می‌کند. داستان «خیر و شر» نمونه‌های بارزی از خلاقیت را در خود دارد. هنگامی‌که خیر، چشمان خود را از دست می‌دهد به خانواده‌ای پناه می‌برد. مرد، برگ‌های درختی را کوبیده، پنج روز بر چشمان خیر می‌نهد و خیر با خلاقیّت مرد، بینایی خود را به دست می‌آورد:

کـرد صـافی چنـان کـه دُرد نمـانـد در نظرگـــاه دردمنـــد فشـــاند

...چشم از دست رفته گشت درست　　شد به عینه چنان که بود نخست

(همان: ۵۶۳)

پس از درک و دریافت خلاقیّت، خیر، پس از بهبودی، انبانی از برگ‌ها را جمع می‌کند و به‌عنوان پزشکی خلّاق، در جامعه مؤثر واقع می‌شود.

خیر شد زی درخت صندل بوی　　که ازو جانش گشت درمان جوی

نه ز یک شاخ کز ستون دو شاخ　　چید بسیار برگ‌های فراخ

... آن یکی بُد علاج صرع تمام　　وان دگر خود دوای دیده بنام

(همان: ۵۶۶)

در افسانه گنبد سرخ، دختر پادشاه روس بهره‌مند از انواع شاخصه‌های خردمندی است. چاره‌گری و چابک‌اندیشی او ریشه در هوش عملی و اجتماعی وی دارد:

در همه کاری آن هنرپیشه　　چاره‌گر بود و چابک اندیشه

(همان: ۵۳۵)

پادشاه، دختر، و حتّی خواستگار وی، همگی دارای فضایل مثبت هستند. نظامی با نقل این روایت، قصد دارد شبکهٔ خانوادگی شاهان را بهره‌مند از خرد نشان دهد. شرط‌های دختر جوان برای خواستگاران خود، بیانگر خرد و هوش اجتماعی اوست:

شرط اول در این زناشوئی　　نیکنامی شدست و نیکوئی

دومین شرط آن که از سر رای　　گردد این راه را طلسم گشای

...چارمین شرط اگر به جای آرد　　ره سوی شهر زیر پای آرد

(همان: ۵۳۶)

شخصیت‌های کارکشتهٔ متعدّدی در هفت‌پیکر نقش می‌آفرینند که آنچه محصول اندیشه و دست آنان است بی‌نظیر می‌نماید؛ سمنار، سازندهٔ قصر خورنق ازجملهٔ آنان است. قصری که وی برای نعمان بنا می‌کند بی‌نظیر است و به‌دلیل مجرّب بودن، آوازه‌اش در عالم پیچیده است. شاعر، اشاره می‌کند وی ماهر بوده و بناهای انبوهی در مصر و شام ساخته است:

هست نام‌آوری ز کشور روم　　زیرکی کو ز سنگ سازد موم

...کرده چندین بنا به مصر و به شام هر یکی در نهاد خویش تمام

(همان: ۴۵۷)

زمانی‌که خاقان چین به قصد جنگ با بهرام لشکرکشی می‌کند، بهرام با درایت نرسی و پسرانش که از شخصیّت‌های ماهر منظومه بودند، پیروز میدان جنگ می‌شود:

شاه را در ظفر قوی شد دست قلب و دارای قلب را بشکست

سختی پنجهٔ سیه شیران کوفته مغز نرم شمشیران

(همان: ۴۹۱، ۴۹۲)

۲-۳-۲- شجاعت

دوّمین فضیلت نظریهٔ مذکور، شجاعت است. توانمندی‌های شجاعت منعکس‌کنندهٔ تمرین خودآگاهانهٔ قدرت اراده‌اند تا به‌رغم سختی‌های زیاد به سوی اهداف ارزشمند حرکت کنند. شجاعت در جهان تحسین‌برانگیز است و هر فرهنگی قهرمانانی دارد که نماد این فضیلت هستند (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۸۱). سلیگمن به نقل از دی پوتنام (۱۹۹۷)، ضمن توصیف شجاعت، سه نوع آن‌را مشخص کرده است: فیزیکی، اخلاقی و روان‌شناختی (پیترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۶۸). شهامت، سخت‌کوشی، یکپارچگی (اصالت، صداقت) و سرزندگی (اشتیاق، قدرت)، توانمندی‌های این فضیلت را بیان می‌کنند.

در آغاز منظومه، در مدح سعید علاءالدین کرپ ارسلان، شاعر، شجاعت و بی‌باکی او را در برابر دشمنان می‌ستاید:

بر تن دشمنان برقع دوز برق شمشیر اوست برقع سوز

... فتح بر خاک پای او زده فرق فتنه در آب تیغ او شده غرق

(همان: ۴۴۴)

از شخصیّت‌های شجاع و برجستهٔ منظومهٔ هفت‌پیکر، بهرام‌شاه است. او شیر می‌افکند، با گرگ پنجه در پنجه شده، دیو را دست می‌بندد و کوه را به سم سوار در هم می‌ریزد:

...که به سر پنجه شیرگیر شداست شیر برنا و گرگ پیر شداست

شیر با او چو سگ بود به نبرد کو همی ز اژدها برآرد گرد

دیـــو بنـــدد بـــه خـــم خـــام کنـــد　　کـــوه ســـاید بـــه زیـــر ســـم ســـمند

(همان: ۴۶۸)

نظامی، ستایشگر شخصیّت‌هایی است که در میادین نبرد، شجاعانه تیغ برمی‌کشند. از نگاه وی، شجاع کسی است که شیرگیر است و بازی خرس از شمشیر برده است:

بـــازی خـــرس بـــرده از شمشـــیر　　خـــرس بـــازی در آوریـــده بـــه شـــیر

شـــیر گیـــری و لیـــک نـــز مســـتی　　شـــیر گیـــری بـــه اژدهـــا دســـتی

(همان)

۳-۳-۲- انسانیت

فضیلت سوّم نظریهٔ سلیگمن، انسانیّت است که در روان‌شناسی، با عنوان رفتارهای نوع‌دوستانه یا جامعه‌پسند تعبیر می‌شود. رفتارهای نوع‌دوستانه به دلیل حفاظت خانواده و تعهّد به هنجارهای اجتماعی است. صرف‌نظر از دلایل واقعی نوع‌دوستی، انسان‌ها این توانایی را دارند که در فعالیّت‌های مرتبط با گذشت، مهربانی یا خیرخواهی مشارکت کنند؛ فعالیّت‌های ارزشمندی که موجب ارتقای معنوی افراد می‌شوند. اگر هدف نهایی ما ارتقای رفاه دیگران باشد، انگیزهٔ رفتار ما نوع‌دوستی است (کار، ۱۳۸۵: ۸۹-۸۸) و احساسی خوشایند برای فرد به ارمغان می‌آورد (گلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵:۱۲۰). توانمندی‌های این فضیلت در تعامل اجتماعی مثبت با دیگران خود را نشان می‌دهد (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۸۶) و عبارتند از: مهربانی (گذشت، مهرورزی و خوبی)، عشق و هوش اجتماعی.

نظامی در آثار خود مروّج انسانیّت است و بدون آگاهی از تئوری‌های روان‌شناسی، این فضیلت نیکو را ستوده است. در بررسی فضیلت انسانیّت در هفت‌پیکر می‌توان اندیشهٔ نظامی را پیرامون دو شاخصهٔ نوع‌دوستی و دوست‌داشتن، مورد تحلیل قرار داد. توجّه، با دل‌سوزی نسبت به دیگران همراه است و دل‌سوزی سبب یاری‌رساندن به همنوعان می‌شود؛ یاری‌رساندنی که در آن اغراض شخصی وجود نداشته باشد (سلیگمن، ۱۳۹۷: ۴۲). خدمت خالصانه و صادقانه به دیگران، از برجسته‌ترین خصوصیّت‌های انسان است. در کنار اصطلاح نوع‌دوستی، اقدامات حمایتی از سوی دیگران که از سر دل‌سوزی و همدردی و به اشکال مختلف نظیر: حمایت مالی، عاطفی، جانی و .... است صورت می‌گیرد. شاعر در ترسیم انسانیّت، به رفتارهای حمایتی توجّه داشته است. هفت‌پیکر، درصدد ایجاد امنیّت برای مردمان سرزمین خود هستند. این امنیّت در سایه آبادانی توأم با مهربانی محقّق می‌شود:

پنـــجمین کشـــور از تـــو آبـــادان　　وز تـــو شـــش کشـــور دیگـــر شـــادان

همـــه مـــرزی ز مهربـــانی تـــو بـــه تمنـــای مرزبـــانی تـــو

(همان: ۴۴۷)

نظامی برای نشان دادن نوع‌دوستی حاکمان، نمونه‌ای از حمایت اقتصادی بهرام را در خلال حکایت‌ها، آورده است. سالی، خشک‌سالی بیداد می‌کند؛ مردم چون گرگ خون‌خوار به جان هم می‌افتند و موجب آزار هم می‌شوند. بهرام‌شاه با ارسال نامه به والی شهرها، از آنان درخواست کمک می‌کند تا مردم را از لحاظ مالی، حمایت کنند:

سـوی هـر شهـر نامـه‌ای فرمـود کـه در او از ذخیـره چـیزی بـود

تـا امیـنان شهـر جمـع آینـد در انبـار بسـته بگشـایند

بـا تـوانگر بـه نـرخ در سـازند بـی‌درم را دهنـد و بنوازنـد

(همان: ۴۸۰)

شاعر ضمن ستایش این حمایت و بیان نتیجه آن، تأثیر مثبت اهتمام به خصایص پسندیدهٔ انسانی را در زندگی متذکّر می‌شود:

لاجـرم چـار سـال بـی بـر و کشـت روزی خلـق بـر خـزینه نوشـت

کـارش آن بـود کـان کیـایی یافـت از چنـان پیشـه پادشـایی یافـت

(همان: ۴۸۱)

در داستان «شکایت کردن هفت مظلوم» و در بخش شکایت مظلوم ششم، سخن از فرماندهی است که علی‌رغم خدمت خالصانه در دربار حاکم، مورد بی‌مهری وزیر قرار می‌گیرد. شاعر در پایان این روایت، حمایت اجتماعی بهرام را از این فرمانده نشان می‌دهد.

شـاه بنواخـتش بـه خلعـت و سـاز جـاودان بـاد شـاه بنـده‌نـواز

چون لـبش را بـه لطـف خنـدان کـرد رسـم اقطـاع او دو چنـدان کـرد

(همان: ۵۹۲)

در داستان «خیر و شر» می‌توان نمونهٔ اعلای حمایت جانی را دید. خیر، در آستانه مرگ است. دختر کُرد، خیر را نیمه‌جان، در وسط بیابان پیدا می‌کند. حمایت او از خیر، زندگی را به وی بازمی‌گرداند:

... مُـردَم از تشـنگی و بـی‌آبـی تشنـه را جهـد کـن کـه دریـابی

ساقـی نـوش لـب کلیـد نجـات دادش آبـی بـه لطـف آب حیـات

... زنـــده شـــد جـــان پژمریـــدهٔ او　　شـــاد گشـــت آن چـــراغ دیـــدهٔ او

(همان: ۵۶۲)

دوست‌داشتن دیگران نیز به بهبود روابط بین‌فردی می‌انجامد و سلامت روان افراد را تأمین می‌کند. در داستان «خیر و شر» شمیم مهرورزی به مشام می‌رسد. شرّ با وجود توانمندی چون مهری در دل ندارد، محکوم به شکست است. بارزترین ویژگی دختران هفت‌اقلیم نیز مهربانی آنان است. شاه با مشاهدهٔ هفت‌دختر، مهرشان را بر دل می‌نشاند.

مهـــر آن دختـــران حـــور سرشـــت　　در دلـــش تخـــم مهربـــانی کشـــت

(همان: ۴۹۵)

روابط عاشقانهٔ منظومه، به‌دلیل مهربانی دخترانی است که در مقام معشوقه نشسته‌اند. عاشقان نه به زیبایی زلف و لب آنان دل می‌بازند بلکه مهربانی آنان، دل از عاشق می‌رباید:

آن پریـــزاده در زمـــان برخـــاست　　چـون پـری مـی‌پریـد از چـپ و راسـت

چون مرا دیـد مانـد از آن بـه شـگفت　　دسـتگیرانه دسـت مـن بگرفـت ...

(همان: ۵۰۸)

اگر عاشقی از معشوق به‌رنج است از بی‌وفائی او نیست؛ بلکه شعله‌های مهر معشوق است که دل عاشق را می‌گدازد و ذوب می‌کند:

ســـوختم در غـــم نهـــانی تـــو　　رفـــت جـــانم ز مهربـــانی تـــو

(همان: ۵۳۳)

۴-۳-۲- عدالت

اگر عدالت را قرار گرفتن هر چیز در جای خود بدانیم آن‌گونه که حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه فرموده‌اند: «العدل یضع الامور مواضعها»(۱۳۹۶: ۵۲۶)، این فضیلت به آنچه که زندگی را قابل‌قبول می‌کند، اشاره می‌کند و در جوامع غربی، معمولاً به معنای مساوات ترجمه می‌شود (اسماعیلی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۶). قابلیّت‌های این فضیلت عبارتند از: شهروندی (وظیفه‌شناسی، کارگروهی، وفاداری)، انصاف و برابری و رهبری. این توانمندی‌ها در فعالیّت‌های مدنی مشهودند، فراتر از روابط فردی هستند و چگونگی ارتباط با گروه‌های بزرگ‌تر مثل خانواده، جامعه و جهان را نشان می‌دهند (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۸۹).

در دنیای نظامی، آرمان‌شهر، در سایهٔ عدالت تحقق می‌یابد. هر جا که شهروندی به وظایف خود به نحو مطلوب

عمل کند، کارِگروهی نتیجه بدهد و برابری و انصاف در روابط بین فردی و فرد با جامعه حاکم باشد، آن جامعه به مرزهای مدینهٔ فاضله نزدیک می‌شود. پیر گنجه در حکایات منظومهٔ خود، فریاد برابری و عدل سر می‌دهد و هرگاه زبان به مدح ممدوحان می‌گشاید، عدل و داد آنان را می‌ستاید:

عمـــر بـــادت کـــه داد و دیـــن‌داری　　آن دهـــادت خـــدا کـــه ایـــن داری

(همان: ۴۴۸)

اولین حکایتی که می‌توان در آن نشانی از انصاف و عدل را مشاهده کرد حکایت «صفت خورنق و ناپیدا شدن نعمان» است. شاعر، ابتدا عذاب روحی نعمان را که محصول کشتن سمنار است به تصویر می‌کشد و در ادامه، جبران این رفتار ناپسند او را در برقراری عدل و داد جستجو می‌کند:

غـم بسـی خـورد و جـــای غـم بـودش　　کـــه ســیه گشـــت خـــانه زان دودش

... جـور بـس کـرد و داد پیـــش آورد　　ملـــــک را برقـــــرار خـــــویش آورد

(همان: ۴۶۱)

اوج توانمندی و مثبت‌اندیشی نظامی در داستان «خیر و شر» نمود یافته است. وجه‌تسمیهٔ خیر به این نام آن است که وی جامع فضایل نیک است. در پایان داستان، اوّلین اقدام خیر بعد از به‌دست آوردن بینایی و تکیه بر سریر قدرت، تحکیم و گسترش عدل است:

چـون ســعادت بـــدو سپـــرد ســریر　　آهـنش نـــقره شـــد پـــلاس حـــریر

عـــــــدل را استـوارکـــــــــاری داد　　ملـــک را بـــر خـــود اســتواری داد

(همان: ۵۶۹)

نظامی، حس شهروندی حاکمان عصرش را به تصویر کشیده و از عدم تمایل برخی نسبت به این حس انتقاد می‌کند. در بخش «کشتن بهرام وزیر ظالم را» حس مسئولیّت‌پذیری در وجود بهرام تبلور یافته است. او با مشاهدهٔ ستمگری وزیر، برمی‌آشوبد و تعادل روحی خود را از دست می‌دهد:

چـــون ز کـــار وزیـــرش آمـــد یـاد　　دســـت از اندیشـــه بـــر شـــقیقه نهـاد

تـــا ســـحرگه نخفـــت از آن خجلـــی　　دیـــده بـــر هـــم نـــزد ز تنـــگ‌دلی

(همان: ۵۹۴)

حس مسئولیّت‌پذیری بهرام، باعث مجازات وزیر ظالم می‌شود. مهم‌ترین رفتار وی که گویای حس شهروندی

اوست، این است که همه زندانیان را فرامی‌خواند و هفت نفر از آنان را برگزیده و پس از استماع دادخواهی آنان در صدد جبران ستم‌هایی است که بر آنان رفته است:

... شاه از آن جمله هفت شخص گزید　　هر یکی را ز حال خود پرسید

گفت با هر یکی گناه تو چیست　　از کجائی و دودمان کیست

(همان: ۵۸۸)

نظامی در توصیف صفات بهرام و در ادامهٔ ترسیم جامعه‌ای که وی رهبر آن است، تندرستی، ایمنی و بهره‌مندی از رفاه را محصول رهبری شایسته بهرام می‌داند:

... ما که مثل تو پادشا داریم　　همه داریم چون تو را داریم

(همان: ۴۹۸)

خصلت‌های مهمّی که بهرام متّصف به آن‌هاست نظیر: آگاهی و بیداری، دانایی و کاردانی نمایانگر دیدگاه نظامی در مورد رهبری شایسته است.

کاردان اوست در زمانه و بس　　نیست محتاج کاردانی کس

(همان: ۴۹۴)

۵-۳-۲- میانه‌روی و اعتدال

خویشتن‌داری، همان خودکارآمدی یا خودتنظیمی است و توانایی ارادهٔ فرد است برای «نه» گفتن و عملی کردن آنچه مقبول است. این فضیلت، یک سازوکار نیرومند درونی است که کنش‌های اخلاقی آدمی را هدایت می‌کند تا انتخاب‌هایی درست و معقول داشته باشد. خویشتن‌داری، آدمی را از شکل‌گیری اعمال بالقوّهٔ مخاطره‌آمیز محافظت می‌کند و به‌عنوان یک توانمندی اساسی، بر ابزار مناسب و متعادل دست‌یابی به خواسته‌ها و تمایلات دلالت دارد. افراد میانه‌رو در برآورده کردن نیازهای خود، به نحوی عمل می‌کنند که به خود و دیگران آسیب نرسانند (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۹۳). خودکنترلی، آینده‌نگری (دوراندیشی)، بخشش و گذشت و فروتنی (تواضع) قابلیت‌های این فضیلت هستند. اعتدال و میانه‌روی ازجملهٔ فضایل مثبت است که زیاده‌خواهی‌ها را کم‌رنگ کرده و تفریط را معتدل می‌کند. در سایهٔ میانه‌روی، می‌توانیم از بند بسیاری از عوامل بیماری‌زای روانی، رهایی پیدا کنیم؛ ازجمله: نفرت، نخوت، تحقیر، خودکم‌بینی، خودبزرگ‌بینی و ... .

آستانه تحمل کسانی که می‌توانند رفتار خود را کنترل کنند بالا می‌رود و واکنش‌های منطقی در برابر هیجاناتی مثل

خشم از خود نشان می‌دهند. مهم‌ترین نمود کنترل رفتار، خویشتن‌داری و داشتن انضباط است. نظامی، در «پاسخ بهرام به ایرانیان»، از خویشتن‌داری وی و عدم تسلیم در برابر امیال سخن می‌گوید:

نبـــــــرد دیـــــــــو آرزوم از راه　　آرزو را گـــــرو کـــنم بـــه گنـــــاه

(همان: ۴۷۴)

در حکایت «نشستن بهرام روز پنج‌شنبه در گنبد صندلی» خویشتن‌داری «خیر» مشهود است. وی با وجود تشنگی مفرط در تقابل با «شر» تا حدّ امکان با نفس مبارزه می‌کند:

گرچـــه در تـــاب تشـــنگی مـی‌ســـوخت　　لـــب بـــه دنـــدان ز لابـــه بـرمـی‌دوخـــت

تشـــــنه در آب او نظـــر مـــی‌کـــرد　　آب دنـــدانی از جگـــر مـــی‌خـــورد

(همان: ۵۵۹)

۶-۳-۲- تعالی

تعالی توانمندی‌های هیجانی است که بر چیزی فراتر و بالاتر از شما تأکید دارد و موجب اتّصال به چیزی بزرگ‌تر و پایاتر می‌شود (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۹۷)؛ بنابراین متضاد پوچ‌گرایی است. کسی که لایق تعالی است باید پاک و مقدّس و به‌دوراز ریا باشد و چنین شخصی شایستهٔ احترام و قدردانی است (کار، ۲۰۰۴: ۵۵-۵۴). تحسین زیبایی‌ها و نیکی‌ها، قدرشناسی، امید (خوش‌بینی، جهت‌گیری آینده‌محور)، معنویت (مذهبی بودن) و شوخ‌طبعی از قابلیت‌های این فضیلت هستند (پیترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۶۱-۵۹).

وصف‌هایی از زیبایی‌های خلقت در این منظومه وجود دارد که تبیین‌کنندهٔ روح متعالی نظامی است؛ ازجمله وصف‌هایی که نشان‌گر نوع نگاه شاعر به «زن» است. نظامی در توصیف زنان، به تمایلات حیوانی توجّهی ندارد. او با روحی رشد یافته و متعالی، زیبایی زنان را درک می‌کند:

هـــر یکـــی بـــا هـــزار زیبـــائی　　گـــوهر افـــروز نـــور بینـــائی

(همان: ۴۶۷)

معیار شاعر برای درک و تحسین زیبایی صرفاً ویژگی‌های ظاهری افراد نیست، بلکه خصوصیّات باطنی مکمّل آن‌ها هستند و جورچین حُسن و جمال را تکمیل می‌کنند. شاعر در وصف زیبایی کنیزک بهرام، علاوه بر زیبایی‌های ظاهری، سرودسرایی و رودسازی وی را بخشی از زیبایی او قلمداد می‌کند:

بـــا همـــه نیـــکوئی ســـرود ســـرای　　رودســـازی بـــه رقـــص چابـــک‌پای

نالـــه چـــون بـــر نـــوای رود آورد　　مـــــرغ را از هـــــوا فـــــرود آورد

(همان: ۴۸۲)

ازجمله مظاهر تعالی، درک محبّت و لطف دیگران و داشتن حسّ قدردانی نسبت به دیگران است. بارزترین مصداق قدردانی و نشانهٔ تعالی در شکر و سپاس بنده، نسبت به خالق خویش نمود پیدا می‌کند. نظامی در «چگونگی پادشاهی بهرام» به شکرگزاری اشاره می‌کند و عدم وجود آن را مایهٔ تیره‌بختی و تنگی معیشت می‌داند:

هـــر گهـــی کافریدگـــان خـــدای　　شـــکر نعـــمت نیـــاورند بـــه جـــای

آن فراخـــی شـــود بـــر ایشـــان تنـــگ　　روزی آرنـــد لیـــک از آهـــن و ســـنگ

(همان: ۴۸۰)

خداباوری و نقش ارادهٔ حق در زندگی آدمی، در هفت‌پیکر مشهود است. نظامی باور دارد که عهد با خدا، او را از ناملایمات دور خواهد داشت و این اوج دست‌یابی به سلامت روان است که در سایهٔ فضیلت مثبت، تحقق می‌یابد:

عهـــد خـــود بـــا خـــدای محکـــم دار　　دل ز دیگـــر علاقـــه بـــی‌غـــم دار

(همان: ۴۵۴)

از دیدگاه نظامی، بخشودن خطای افراد، ریشه در روح متعالی یک حاکم دارد و بهرام به‌عنوان حاکمی مقبول از این ویژگی بهره‌مند است. بخشیدن مال و منال و دادن خلعت به زیردستان، ازجمله مصادیق بخشش در حکایت‌های این منظومه است. روح متعالی حاکمان در هفت‌پیکر، هرگز در بند ثروت نیست؛ آنان هر جا که لازم باشد به‌وفور می‌بخشند و از این رفتار خود خرسندند:

مرتفـــع جامـــه‌هـــای قیـــمت‌منـــد　　بیـــش‌تر زان کـــه گـــفت شـــاید چنـــد

... داد تـــا زان دهـــش رُخـــش رخشیـــد　　وز یمـــن تـــا عـــدن بـــه او بخشیـــد

(همان: ۴۹۵)

۳- نتیجه

با مطالعهٔ منظومهٔ غنایی هفت‌پیکر و تأمّل در ابیات و تحلیل آن‌ها درمی‌یابیم حکیم نظامی گنجوی قرن‌ها پیش از مارتین سلیگمن با اشراف کامل به هزارتوی روح و روان بشر، شخصیّت‌های منظومهٔ خویش را به نحوی هنرمندانه پرورانده است که امروزه قابلیّت تطبیق با نظریّه‌های جدید و ناب علم روان‌شناسی دارند. این پژوهش نشان می‌دهد، داستان‌های منظومهٔ مذکور صرف سرگرمی یا معرّفی و پرورش شخصیّت‌های تاریخی ایجاد نشده‌اند بلکه شاعر در

نظم آثارش به اهداف والاتری توجّه داشته است. فضایل و مفاهیم غنی نظریهٔ مثبت‌اندیشی سلیگمن و قابلیّت‌های ذکر شدهٔ زیر مجموعهٔ هر فضیلت در این منظومه جلوه‌گری می‌کند. بر اساس پژوهش حاضر در منظومهٔ هفت‌پیکر:

۱- اشخاص اصلی و فرعی هفت‌پیکر، بهره‌مند از هوش عملی هستند و نظامی به‌طورمعمول در ترسیم شخصیّت افراد، کسانی را موفّق نشان می‌دهد که توانایی بهره‌گیری بهتر از نیروی خرد و برخورد مناسب‌تر با موقعیّت‌ها را دارا هستند.

۲- با توجّه به این‌که منظومهٔ هفت‌پیکر در بطن خود، داستان نبرد حاکمان است؛ شهامت و دلاوری در میادین نبرد مهم‌ترین شاخص حاکمان در خصوص فضیلت شجاعت است.

۳- نوع‌دوستی و دوست‌داشتن دیگران، از مهم‌ترین شاخصه‌های فضیلت انسانیّت در هفت‌پیکر است. دخترانی که در هفت‌اقلیم نقش می‌آفرینند، نشانه‌های برجسته‌ای از مهربانی را دارا هستند. نظامی نوع‌دوستی را در این اثر تحت شاخصه‌های زیر معرّفی می‌کند: حمایت امنیتی، حمایت اقتصادی، حمایت اجتماعی و حمایت جانی.

۴- فضیلت عدالت در هفت‌پیکر شامل رعایت اصول شهروندی و وظیفه‌شناسی و مسئولیّت‌پذیری است. نظامی شرط رهبری شایسته را دانایی و کارایی رهبر در ایجاد امنیّت در جامعه می‌داند.

۵- فضیلت میانه‌روی در این اثر، شامل: کنترل رفتار، دوراندیشی، تواضع و گذشت شخصیت‌های برجستهٔ داستان است.

۶- با توجّه به محوری بودن شخصیّت بهرام در این منظومه و تکامل و تعالی شخصیّتی وی در طول این اثر و غلبهٔ وجوه مثبت در رفتارهای وی، علی‌رغم وجود ضعف‌هایی در مسیر تکامل روحی و معنوی وی، فضیلت تعالی در این اثر نمود ویژه‌ای یافته است. به نظر شاعر برخورداری از انواع سلامت جسمی و روانی، بهره‌مندی از روابط سالم اجتماعی از مهم‌ترین عوامل ایجادکنندهٔ شادی در افراد است.

کتابنامه

اخروی، مهدی؛ بهنام‌فر، محمد. (۱۳۹۵). تحلیل روان‌شناختی مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی، یازدهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت، صص ۳۸۴-۴۱۴.

اسماعیلی، مریم؛ یزدانی، محمد. (۱۳۹۶) مطالعهٔ تطبیقی فضایل اخلاقی شش‌گانه در روان‌شناسی مثبت و نهج‌البلاغه، فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۱۱، شماره ۲۰، صص ۱۴۹-۱۷۵.

امام علی (ع). (۱۳۹۶). نهج‌البلاغه، مترجم حجه الاسلام محمد دشتی، قم: نشتا.

براتی، فریبا. (۱۳۹۸)، فرهنگ عامیانه در آیینهٔ هفت‌پیکر نظامی، چاپ اوّل، تهران: مانیان.

پیترسون، کریستوفر؛ سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۶). روان‌شناسی مثبت فضایل و توانمندی‌های شخصیّت، ترجمه کوروش نامداری، مهدی آیتی، گلی‌تا امساکی و مهسا موحّد ابطحی، جلد اول، چاپ دوم، اصفهان: یار مانا.

پیراني، منصور. (۱۳۹۲) نگاهي به شعر حافظ با رویکرد روان‌شناسي مثبت‌نگر مارتین سلیگمن، هفتمین همایش پژوهش‌هاي زبان و ادب فارسي، هرمزگان: صص ۳۳۸-۳۵۷.

خوشحال، طاهره، عباسی، زهرا. (۱۳۹۶). مردم‌گرایی و نوع‌دوستی در عرفان اسلامی و مقایسهٔ آن با روان‌شناسی مثبت، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر دریا)، سال یازدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۳، صص ۲۹-۵۴.

درپر، مریم؛ یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۹). تحلیل روابط شخصیت‌ها در لیلی و مجنون نظامی، مجله بوستان ادب (مجله علوم اجتماعي و انساني سابق)، شماره سوم، دوره دوم، پیاپي ۱(۵۹)، صص ۶۵-۸۹.

سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۷). شادمانی درونی؛ روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خوشنودی پایدار. مترجمان مصطفی تبریزی، رامین کریمی و علی نیلوفری، چاپ هشتم، تهران: دانژه.

سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۸). از شادکامی تا بالندگی، مترجم زهره قربانی، تهران: سایه سخن.

عینی، نسرین. (۱۳۹۵). بررسی عناصر نشانه‌شناختی امیدواری در غزلیات حافظ با تکیه بر روان‌شناسی مثبت‌گرا، فصل‌نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال هشتم، شماره‌های پیاپی ۲۶ و ۲۷، صص ۲۷۹-۳۰۹.

غنی‌پور ملکشاه، احمد؛ محسنی، مرتضی؛ حقیقی، مرضیه. (۱۳۹۴). عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در منظومهٔ داستانی هفت‌پیکر نظامی، پژوهش‌نامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، صص ۹۷-۱۱۶.

فردریکسون، باربارا. (۱۳۹۷). مثبت‌گرایی (چگونه به زندگی شورونشاط بیشتری ببخشیم)، مترجمان نسرین پارسا و هامایاک آوادیس یانس، تهران: رشد.

کار، آلن. (۱۳۸۵). روان‌شناسی مثبت علم شادمانی و نیروی انسانی، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: سخن.

گلی‌زاده، پروین؛ یزدان‌جو، محمد؛ مساعد، مینا. (۱۳۹۵). تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی از منظر علم روان‌شناسی، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر دریا)، سال دهم، شماره اول،، صص ۱۱۰-۱۲۸.

مگیار-موئی، جینا. ال. (۱۳۹۹). فنون روان‌شناسی مثبت‌گرا راهنمای درمانگران، مترجم دکتر فرید براتی سده، تهران: رشد.

نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۸). کلّیات خمسهٔ نظامی گنجوی، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به اهتمام پرویز بابایی، چاپ اول، تهران: نگاه.

نوروزی، زین؛ اسلام، علی رضا؛ کرمی، محمدحسین. (۱۳۹۱). بررسی شخصیت بهرام در هفت‌پیکر با توجه به نظریهٔ مزلو، متن‌شناسی ادب فارسی، اصفهان، سال چهارم، شماره چهارم، پیاپی ۱۶، صص ۳۲-۱۷.

وینسنت پیل، نورمن. (۱۳۸۸). نتایج شگفت‌انگیز تفکر مثبت، ترجمه امیر بهنام، چاپ دوم تهران: نسل نواندیش.

Carr Alan (2004). *Positive Psychology, The science of happiness and human strengths*, Brunner-Routledge, New York.

Fredrickson, B. L. (2001), The role of positive emotions in positive psychology: The broaden-and-build theory of positive emotion. *American Psychologist*, 56, 218-226.